



احیاء تفکر و اندیشه و علوم

منابع اصلاحی برتری دانشمندان
 رابه طرز حالبی توصیف می کنند

داود الهاجی

کازنامه اسلام در ایران « ۳ »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

چند عامل از عواملی که باعث شد نهضت عظیم فرهنگی در جامعه اسلامی پدید آید، برشمردم، عامل دیگر اینست که اسلام برای دانش و دانشمند ارزش و اعتبار زیادی قائل شده است.

قرآن کریم در مقام ارج و بهای دانش و جلالت قدر دانشمندان می گوید: « یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اتوا العلم درجات » (۱) یعنی: خداوند رتبه آنان را که ایمان آوردند و آنان را که از علم بهره مند شدند، بالا میبرد.

ارزش دانشمند در نظر پیشوای اسلام بعدیست که فرمود: « لموت قبيلة ایسرمین موت عالم » مرگ قبیله ای سهلتر و کم زیانتر از مرگ یک دانشمند است.

همچنین در آیه دیگری فرماید: « هل یتوی الذین یعلمون والذین لایعلمون انما

بگذرد اولی الالباب» (۲) آبادانایان بانادانان برابر هستند، فقط آنان پند می پذیرند که صاحب خرد باشند، یعنی هیچوقت عالم با جاهل مساوی نیست عالم ودانشمند بر هر کس که از علم بی بهره باشد، برتریت ذاتی دارد. و از این آیه شریفه استفاده می شود که علم در نظر قرآن مخصوص به علم دین نیست بلکه علم در نظر قرآن هرآن چیزی است که به انسان بصیرت و روشنائی می دهد و در امور دنیوی و اخروی به انسان کمک می کند. (۳)

و در مقام برتری علما ودانشمندان نسبت به عابدان وزاهدان از امام باقر (ع) چنین روایت کرده اند: «عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد» (۴).
دانشمندی که دانش خود را مورد استفاده قرار دهد از هفتاد هزار عابد افضل و برتر است.

خداوند متعال در قرآن مجید، دانشمندان را به جهت علم وحکمتی که فرا گرفته اند مورد لطف خاص خود قرار داده وصاحبان علم را صاحب ثروت کثیر و سرمایه بی حد معرفی کرده است. میفرماید: «بوتی الحکمه من یشاء ومن یوت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا وما یذکرا الا اولوا الباب». (۵)

خداوند علم وحکمت را به کسی میدهد که او را خواسته باشد و هر کسی که علم وحکمت باو داده شده است مسلماً ثروت کثیر و سرمایه بی حد باو ارزانی شده است، آنان پند می پذیرند که دارای عقل باشند.

در نظر پیشوای اسلام (ص) میزان شخصیت هر کس را علم ودانش اوتعیین میکند، امام صادق (ع) از پیامبر بزرگوار اسلام نقل میکند که فرمود: «دانشمندترین مردم کسی است که همیشه با استفاده از علوم دیگران بردانش خویش بیفزاید ارزش انسان بعلم است پس هر کس علمش بیشتر، ارزشش بیشتر، و هر کس علمش کمتر قدر و قیمتش نیز کمتر است» (۶)

باز در حدیث معروف آمده است: «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء» مرکب قلم علماء ودانشمندان از خون شهیدان برتر است. و کسی که قلم و مرکب را بعد از خود (بیادگار) بگذارد در بهشت برای او باز است.

برای تقدیر و تعظیم دانشمندان کافی است که قرآن مجید فهم اشارات و دقائق

۲- سوره زمر آیه ۱۳

۳- به این مطلب شیخ فقیه محمود شلوت در کتاب «توجیهات الاسلام» صفحه ۱۴۸ متعرض شده است.

۴- اصول کافی ج اول باب عقل و جهل

۵- سوره بقره آیه ۲۷۳

۶- سفینة البحار واژه علم

مثل هائی را که می زند، اختصاص به دانشمندان داده است: «تلك الامثال نضربها للناس وما يعقلها الا العالمون» (۷)

یعنی: ما این مثل ها را برای مردم می زنیم اما تعقل و درك نمی کنند آنها را، مگر دانشمندان که از اسرار آفرینش و دقائق جهان هستی باخبرند.

باز در آیه دیگر خوف و وحشت از خدا و روح تقوی را مخصوص دانشمندان شمرده می گوید: «انما يخشى الله من عباده العلماء» در این آیه بعد از آنکه درباره نزول باران و پدید آمدن میوه های رنگارنگ و گوناگون و اختلاف آنها در شکل و رنگ و بو و طعم و خواص و جنبه های غذایی و دارویی، سخن گفته، پس از آن رشته های الوان سنگ های کوه ها و تنوع آنها و در اثر تابش آفتاب و به آفرینش مردم و جانوران و چهارپایان و اختلاف رنگ و شکل و نظامات و تنوعات بی پایان در جهان حیوانی و عالم بشری اشاره کرده است، پس از بیان این آیات و توجه دادن افکار مردم به این مظاهر عالی قدرت می گوید:

«از بندگان خداتنها دانشمندان از خدا خوف و وحشیت دارند»

بنابراین بطور مسلم مقصود از علماء در این آیه شریفه کسانی هستند که از اسرار حیرت انگیز جهان آفرینش و تدبیر نظامات آن باخبرند و از این رو در پیشگاه با عظمت خالق جهان با کمال خضوع و خشوع بندگی میکنند.

بزرگداشت معلم در اسلام:

«معلم» کانون گرم فروزانی است که از نور فضیلت نیرو می گیرد تا جهل و بی سوادی را از روی زمین ریشه کن کند، معلم است که از دست او کوردلان و نادانان بیبا و دانا می گردند و به دستپاچی مشعل فروزان علم و دانش بوادی مقدس و به بهشت سعادت کشانده میشوند.

از این جهت در تعالیم اسلام احترام معلم لازم است و در نظر اسلام «معلم» مقدس ترین و سرفرازترین فرد جوامع انسانی است و در عظمت و احترام معلم این کفایت میکند که بنا بنقل قرآن مجید، حضرت موسی از جانب پروردگار مأمور می شود برای تکمیل علم و دانش خود پیش عالمی برود و با کمال خضوع و ادب آنچه را که نمی داند از او فرا گیرد و این داستان که در قرآن مجید آمده است کاملاً مقام و موقعیت معلم و وظیفه شاگرد را به مردم میرساند.

آیا مقامی از این بالاتر که پیغمبری چون حضرت موسی که خود یکی از پیامبران اولی العزم بود! زانوی ادب بر زمین زند و با کمال ادب و اخلاص بگوید: «هل اتبعك على ان تعلمن مما علمت رشداً - قال انك لن تستطيع معي صبراً و كيف تعبر على ما لم تحط به خبرا. (۸)

۷- سوره فاطر آیه ۳۵

۸- سوره کهف آیات ۶۵-۶۶-۶۷

آیا اجازه می‌دهید از تو پیروی کنم تا از علم و دانشت که انسان را بحق می‌رساند
 بمن بیاموزی - استاد با کمال وقار در پاسخ می‌گوید: تو هرگز نمی‌توانی صبر کنی ،
 چگونه ممکن است بتوانی صبر کنی در صورتی که علم تو به آن احاطه ندارد، یعنی علمت
 به آن پایه نیست - با این بیان قرآن مجید ، کمال خضوع و ادب حضرت موسی را نسبت
 به استاد خود بیان داشته است ، در این داستان حضرت موسی نهایت آنچه ممکن است
 در تعظیم و تکریم استاد کوشش کرده و حق احترام معلم را بجا آورده است از این
 جریان که قرآن به سبک بدیعی بیان نموده است مقام بلند و با عظمت معلم استفاده
 می‌شود .

آری ، معلم است که ساز الفباء والفاظ شخصیت کودکان و جوانان را می‌نوازد و
 به آنان در نیل به آرمان های زندگی کمک می‌کند . روی این اصل ، آنجا که پیامبر اکرم
 پدران انسان را می‌شمارد ، معلم را نیز در ردیف پدر ذکر می‌کند زیرا معلم نیز مثل پدر
 و مادر در ساختن شخصیت انسان بسیار مؤثر است .

از یکی از پیامبران نقل می‌کنند آنجا که از او سؤال کردند : « امعلمک اکرم علیک
 ام ابوک ؟ » آیا در نظر تو معلمت گرامی‌تر است یا پدرت ؟

فرمود : « در نظر من معلم از پدرم گرامی‌تر است زیرا او سبب حیات معنوی و
 جاودانی من است ولی پدرم سبب حیات دنیوی و زودگذر من است » (۹)

حتی از نظر اسلام معلم بقدری ارزش دارد و لو کافر هم باشد باز لازم الاحترام شمرده
 شده است و طبق روایاتی که در دست است خود پیامبر اکرم ، هر موقع به آموزشگاهها که
 توسط معلمان بت پرست اداره می‌گردید ، رسیدگی می‌کردند ، این نکته را همیشه تذکر
 می‌داد و توصیه می‌فرمود آموزگاران را با این که اسپرند و هنوز مسلمان نشده‌اند ،
 و چون معلم هستند و حق تعلیم بر کودکان دارند گرامی بدارید و با خواری به روی
 آنان ننگرید .

ارزش معنوی و مقام اجتماعی معلم با هیچ قدرت مادی قابل مقایسه نیست و در
 نظر ملل با فرهنگ و متمدن وجود يك نفر دانشمند و استاد از هزاران گنج ارزنده‌تر است .

در تجلیل و تعظیم معلم ، روایت جالبی از امام حسین (ع) نقل شده و طبق این
 روایت معلمی بنام « ابو عبدالرحمن سلمی » یکی از فرزندان امام حسین (ع) سوره‌ای از
 قرآن یاد داده بود و چون در حضور پدر سوره را درست خواند ، حضرت بسیار خوشحال
 شد و دستور داد برای تجلیل از مقام بلند معلم ، مجلس باشکوهی ترتیب بدهند و در آن
 مجلس ، عبدالرحمن معلم قرآن ، از طرف امام بسیار مورد تعظیم و تکریم قرار گرفت بقدری
 جایزه و انعام و لباس‌های متعدد و فاخر بمعلم اعطا کرد و حتی دهان معلم را با جواهرات
 پر نمود .

برخی از حاضرین که به علت عدم رشد فکری کار معلم را هم از دیدگاه مادی مینگریستند به امام اعتراض نمودند و گفتند یابن رسول الله، عبدالرحمن چیزی نکرده جز اینکه فقط يك سوره به فرزند تو یاد داده است، این عمل جزئی، شایسته این اندازه اجر نیست!!

امام در پاسخ فرمود: احسانی که عبدالرحمن به فرزند من کرده است در مقام مقایسه خیلی با ارزش تر از آن صلّه و احسانی است که من به او کردم. (۱۰)

کار معلم بقدری مقدس است که بنا بر فرموده نبی اکرم (ص) وقتی که معلم شروع به درس کند و بگوید «بسم الله الرحمن الرحيم» بچه هم از معلم خود تبعیت کند و او هم بگوید، در این صورت خداوند از گناهان پدر و مادر و آموزگار و خود بچه درمی گذرد. (۱۱)

در اسلام اکیداً توصیه شده است یا مردم باید عالم و دانشمند باشند و یا این که هرگاه عالم نیستند در فکر تحصیل علم باشند و در غیر این صورت وجودش بی فائده است. (۱۲)

در اسلام علماء و دانشمندان وظیفه سنگینی را به عهده دارند و باید علم خود را در معرض استفاده دیگران قرار دهند و حتی بقدری که نسبت به علماء تأکید شده است که به مردم علم یاد بدهند به آن اندازه برای محصلین توصیه نشده است که علم فرا بگیرند. «ما اخذ الله علی اهل الجهل ان يتعلموا حتى اخذ علی اهل العلم ان يتعلموا». (۱۳)

خداوند از نادانان عهد و پیمان نگرفت که یادگیرند تا اینکه از دانایان عهد و پیمان گرفت که یاد دهند. یعنی: خداوند قبل از آنکه از نادانان برای تحصیل علم و دانش عهد و پیمان بگیرند از دانشمندان عهد و پیمان گرفت برای یاد دادن.

فقیه: اسلام و مسلمانان در گفتگو

و این خود بهترین دلیل بر آنست که رجال کلیسا و زعمای مسیحیت قاصد و عمل استعمارند و از مسیحیت واقعی بسیار دورند.

همین دریافت سبب شده است که انسان آفریقائی نفرت خاصی به مسیحیت و کلیسا و افراد اروپائی و غربی پیدا کند. و از مسیحیت برگردد و بسوی عقیده توحیدی و اسلام جاویدان که دین وحدت است نه تبعیض، گرایش پیدا کند...

۱۰- مناقب ابن شهر آشوب

۱۱- مجمع البیان ج ۱ صفحه ۱۸

۱۲- الناس ثلاثه، فعالم ربانی و متعلم علی سبیل نجات و همج راع / نهج البلاغه کلمات قصار ۱۳۹

۱۳- نهج البلاغه از کلمات قصار